

واژه شناسی

اصولاً واژه شیعه به چه معنا است؟ به منظور روشن تر شدن بحث، بررسی معنای لغوی و اصطلاحاتی این واژه ضرورت دارد. شیعه در لغت کتاب‌هایی چون «القاموس المحيط»^۱، «تاج العروس»^۲ «لسان العرب»^۳ و «النهاية ابن اثیر»^۴ شیعه را دارای معانی زیر دانسته‌اند: ۱- پیرو و یاور در این کتب آمده است: «شیعة الرجل ای اتباعه و انصار؛ ۵ شیعه فرد یعنی پیروان و یاورانش» در قرآن کریم نیز این واژه در این معنا به کار رفته است؛ چنان که در داستان حضرت موسی (ع) می‌خوانیم: در فوجد فیها رجلین یقتتلان هذا من شیعتہ و هذا من عدوہ؛^۶ حضرت موسی (ع) در شهر با دو نفر برخورد کرد که با هم در نزاع بودند یکی از آنها از پیروانش بود و دیگری از دشمنان او دربارہ این معنا توجه به د و نکته ضرورت دارد:

الف) لازم نیست شخصی رهبر مثبت باشد؛ برای مثال پیروان خاندان ابو سفیان «شیعه - آل ابی سفیان» خوانده می‌شوند. ب) کار برد این واژه نشان دهنده شدت همبستگی میان پیرو و رهبر است؛ همبستگی ای که در کاربرد و اثره‌هایی چون «اتباع» (پیروان) دیده نمی‌شوند.

بنابر این، می‌توان چنان نتیجه گرفت نسبت میان واژه‌های شیعه و «تبع» عموم و خصوص مطلق است. یعنی هر شیعه‌ای تبع خوانده می‌شود، ولی هر تبع و پیروی شیعه نیست. این سخن را می‌توان با تعریف راغب اصفهانی از واژه شیعه نیز تأیید کرد؛ زیرا او که معمولاً به ریشه یابی واژه‌های قرآنی

۱- القاموس المحيط، ج ۳، ص

۶۱ و ۶۲. ۲- تاج العروس، ج ۵، ص ۴۰۵

۳- لسان العرب، ج ۷، ص ۲۵۸. ۴- النهایة ابن اثیر، ج ۲، ص ۲۴۶.

۵- قصص (آیه): ۱۵.

می‌پردازد، این واژه را از خانواده شیاع به معنای انتشار و تقویت، شمرده است و شیعه را کسانی دانسته که انسان به وسیله آنها تقویت می‌شود و انتشار پیدا می‌کند؛ ۶ به عبارت دیگر شیعیان فرد کسانی هستند که از جهت زمان و مکان باعث افزایش گستره وجودی وی می‌گردند.

۲- گروهی که حول محوری خاص اجتماع کرده‌اند؛ «کل قوم اجتمعوا علی امرتهم شیعه» این معنا برخلاف معنای قبلی، غیر نسبی است؛ در آن نسبت میان پیرو و رهبر دیده نشده است و به هر گروه مستقل دارای مرام گفته می‌شود. آیه شصت و نهم سوره مریم از موارد استعمال قرآنی این معنا به شمار می‌آید: «ثم لنزعن من کلّ شیعه ایهم اشدّ علی الرحمن عتیا؛ ۷ سپس از میان هر گروه آن را که بر خداوند نافرمان‌تر بود، بیرون می‌کشیم».

۳- هماهنگی در اهداف اصول و مبانی در این کاربرد، دو شخص که اهداف و اصول و مبانی مشترک دارند، شیعه یکدیگر خوانده می‌شوند؛ گرچه معمولاً شخص متأخر را شیعه شخص متقدم می‌نامند. در کتب واژه‌شناسی به این معنا کم‌تر اشاره شده است، اما می‌توان کاربرد آن را در قرآن کریم مشاهده کرد. در آیه هشتاد و سوم سوره صافات آمده است: «وان من شیعه لابراهیم...؛ ابراهیم از شیعیان او (نوح) بود... این آیه حضرت ابراهیم (ع) (را از شیعیان حضرت نوح (ع) معرفی می‌کند. با توجه به برخورداری ابراهیم از شریعت مستقل نمی‌توان او را پیرو حضرت نوح (ع) دانست. آنها در اصول و مبانی و اهداف مشترک بودند.

جالب آن است که بعضی در این آیه ضمیر «شیعه» را به حضرت

۶- معجم مفردات الفاظ القرآن،

ص ۲۷۹.

۷- مریم (۱۹): ۶۹.

محمد(ص) بر گردانده‌اند. در این صورت معنای آیه چنین می‌شود: حضرت ابراهیم(ع) از شیعیان حضرت محمد(ص) بود... با توجه به آن که حضرت ابراهیم(ع) از نظر زمانی پیش از حضرت محمد(ص) می‌زیست، شیعه را در این جا به معنای «منهاج و دین یکسان داشتن» تفسیر کرده و چنین گفته‌اند: «هو(ابراهیم) علی منهاج [محمد(ص)] و دینه... شیعه در اصطلاح این واژه در میان مسلمانان وابستگی ویژه‌ای با حضرت علی(ع) پیدا کرده است؛ وابستگی ای که در نوشته‌های مختلف به شکل‌های مختلف نمود یافته است؛

۱- شیعه به معنای دوستدار و محبّ حضرت علی(ع) است .

۲- شیعه یعنی کسی که حضرت علی(ع) را از عثمان برتر می‌داند و در مقابل شیعه علی(ع) شیعه عثمان قرار دارد .

۳- شیعه کسی است که حضرت علی(ع) را از عثمان و دو خلیفه نخستین و همه صحابه برتر می‌داند .

۴- چه کسی است که به جانشینی بلا فصل حضرت علی(ع) اعتقاد دارد . البته هیچ یک از این تعاریف جامع و مانع نیست .

شاید بتوان با توجه به فرقه‌های مختلف شیعه در طول تاریخ عبارت زیر را بهترین تعریف برای این واژه دانست: شیعه کسی است که جانشینی حضرت علی(ع) را از راه نصّ ثابت دانسته و حضرت علی(ع) را سزاوارترین شخص برای جانشینی حضرت پیامبر اکرم(ص) می‌داند .

در این تعریف بر واژه نصّ تأکید شده است که نقطه افتراق شیعه و

گروه‌های دیگر است؛ زیرا گروه‌های دیگر جانشینی پیامبر اکرم(ص) را انتخابی می‌دانند، ولی شیعه آن را به نص و بیان حضرت پیامبر اکرم(ص) منوط دانسته است. واژه نص در این جا عام است و هر دو نوع نص جلی و خفی [نص اسمی و نص صفی] را شامل می‌شود:

مراد از نص جلی یا نص اسمی آن است که بگوییم: پیامبر اکرم(ص) جانشین خود(حضرت علی) را مشخصاً با ذکر نام معرفی کرده است؛ چنان که گروه جارودیه از فرقه زیدیه چنین اعتقادی می‌دارند. ۹. مراد از نص صفی آن است که بگوییم پیامبر اکرم(ص) تنها اوصاف جانشین خود را ذکر کرده و این اوصاف تنها بر حضرت علی(ع) منطبق است؛ اما امت آن را بر افراد دیگر تطبیق دادند. عمومیت واژه نص به ماکمک می‌کند تا برخی از گروه‌های زیدیه را که قائل به نص صفی‌اند، از دایره تشیع خارج نسازیم. قید توضیحی سزاوارترین شخص نیز به همین جهت آورده شده است؛ زیرا این گروه‌ها بر خلاف بعضی دیگر از گروه‌های شیعه خلافت دو خلیفه اول را نیز نا مشروع نمی‌دانند. با این تعریف افرادی که تنها در شمار دوستان حضرت علی(ع) جای دارند، از دایره شمول واژه شیعه خارج می‌شوند. تشیع اعتقادی و سیاسی یعنی چه؟ و چه تفاوتی میان آن دو وجود دارد؟

برخی از نویسندگان مفهوم تشیع را به دو بخش اعتقادی یا روحی و سیاسی تقسیم کرده‌اند و به تبیین جداگانه آن‌ها پرداخته‌اند. در نظر اینان شیعه اعتقادی کسی است که اولاً در بعد کلامی به خلافت بلا فصل حضرت علی(ع) اعتقاد داشته باشد و ثانیاً در بعد فقهی مشروعیت انحصاری مرجعیت

علمی حضرت علی (ع) و اهل بیت عصمت را بپذیرد نه آن که آنها را مانند صحابه و تابعین دیگر، دارای حق افتاد بدانند. در نگاه شیعه اعتقادی، حق اظهار نظر نهایی در بیان احکام فقهی تنها به حضرت علی (ع) و ائمه علیهم السلام تعلق دارد.^{۱۰} تشیع سیاسی آن است که شخص، بدون اعتقاد به مبانی فکری شیعه، در جهت درگیری‌های سیاسی از رهبری اهل بیت (ع) در مبارزه با ظلم و بیداد خلفا حمایت کند. طبق این تعریف، بسیاری از زیدیه که در قیام‌هایی همچون قیام زید و فرزندش یحیی علیه حکومت اموی شرکت جسته یا از آن جانبداری کردند شیعه سیاسی به شمار می‌آیند.^{۱۱} این نظر به خروج بسیاری از شیعیان زیدی از دایره تشیع اعتقادی (مفهوم حقیقی تشیع) می‌انجامد؛ در حالی که کتب ملل و نحل و کلامی آن‌ها از شیعیان شمرده‌اند. افزون بر این، زیدیان به جوهره اصلی تشیع اعتقاد دارند، گرچه بعضی از آن‌ها دایره نص را وسیع‌تر کرده آن را شامل نص و صفی نیز می‌دانند. شیعه و واژه‌های متداولواژه‌هایی مانند رافضی که گاه به معنای شیعه استعمال می‌شود، چه تفاوتی با مفهوم شیعه دارد؟ واژه شیعه مفهومی عام است که طبق تعریف پذیرفته شده همه فرقه‌ها و گروه‌های شیعی، مانند زیدیه و کیسانیه و اسماعیلیه و... را شامل می‌شود؛ اما در این میان واژه‌های دیگری نیز وجود دارد که با این مفهوم عام تفاوت‌هایی دارد برخی از این واژه‌ها عبارت است از: ۱- رافضی رفض به معنای رد کردن و ترک و وا گذاشتن کاری است. مخالفان شیعه این واژه را معمولاً برای مذمت و بدگویی به کار می‌برند. ۱۲ درباره این واژه گفته شده است: از آن جا که شیعیان

۱۰- با استفاده از تاریخ تشیع در

ایران رسول جعفریان، ص ۲۴ - ۲۸. ۱۱- همان، ص ۲۲.

۱۲- الشیعة فی مسارهم التاریخی، سید محسن امین عاملی، ص ۴۳.

خلافت دو خلیفه اول را رد کردند رافضی خوانده می‌شوند. ۱۳ برخی نیز گفته‌اند رافضی به شیعیانی گفته می‌شود که به جهت موضع نسبتاً ملایم زید درباره دو خلیفه

اول در هنگام قیام خود، اردوی وی را ترک کردند. ۱۴ هر یک از دو معنا را که بپذیریم واژه رافضی با شیعه در مفهوم عامش مترادف نیست؛ زیرا این کلمه گروه‌هایی از زیدیه را در بر نمی‌گیرد. ۲- جعفری امام جعفر صادق (ع) با تلاش بسیار خود به شیعیان معتقد به رهبری امامان معصوم (ع) هویت فقهی و کلامی ویژه‌ای بخشید. از این رو، شیعیان بهره‌مند از آموزه‌های آن بزرگوار جعفری شهرت یافتند. امروزه واژه جعفری با شیعه اثنی عشری مترادف می‌نماید؛ اما ذاتاً اسماعیلیان را نیز شامل می‌شود؛ زیرا آن‌ها به امامت امام جعفر صادق (ع) اعتقاد دارند.

۳- امامی در دوران هر یک از امامان به شیعیانی که به امامت امامان معصوم (ع) از فرزندان حضرت فاطمه (س) اعتقاد داشته‌اند و این خط سیر را تا امام دوازدهم ادامه می‌دادند، امامی خوانده می‌شدند. امامی در سیر تاریخی اش، به تناسب زمان‌های مختلف معانی دیگر، چون ترادف با شیعه در زمان حضرت علی (ع) نیز داشته ۱۵ ولی امروزه معنایی معادل اثنی عشریه دارد.

۴- خاصه این واژه بیش‌تر در متون فقهی و در مقابل لفظ عامه (اکثریت مسلمانان) به کار می‌رود و به معنای شیعه است. معنای ویژه‌تر این واژه در متون فقهی امامیه اثنی عشریه است که فقه خود را از امامان معصوم دوازده گانه می‌گیرند. ۵- علوی شاید این واژه در زمان‌هایی برگرایش کلامی

۱۳- مقالات الاسلامیین و

اختلاف المصلین، ابوالحسن اشعری، ص ۱۶.

۱۴- تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلام تا قرن چهارم هجری محمد جواد مشکور، ص

۵۹؛ الملل و النحل، شهرستانی ج ۱، ص ۲۵۱.

۱۵- الملل و النحل، ج ۱، ص ۲۶۵ - ۲۷۱.

شیعه (اعتقاد به برتری حضرت علی (ع)) دلالت می‌کرده است؛ اما بعدها بیش‌تر در معنای نسبی اش بیان وابستگی نسبی افراد به حضرت علی (ع) به کار رفته است.

۶- فاطمی این واژه بیش‌تر در معنای نسبی کار برد دارد و برای تبیین تمایز فرزندان امام حسن و امام حسین علیهما السلام - از فرزندان محمد حنفیه که کیسانیه خود را بدو منسوب می‌ساختند، به کار می‌رود؛ زیرا محمد حنفیه از فرزندان حضرت فاطمه (س) نبود؛ هر چند در شمار فرزندان حضرت علی (ع) جای داشت. ۷- طالبی این واژه نیز مفهومی نسبی دارد؛ ولی دایره شمولش از دو واژه پیشین بیش‌تر است. طالبی به معنای فرزندان ابو طالب است که فرزندان آن بزرگوار از طریق غیر از حضرت علی (ع) را نیز شامل می‌شود.

فهم دقیق این واژه با مطالعه کتاب «مقاتل الطالبین» ابو الفرج اصفهانی به دست می‌آید که در آن از قیام‌های همه طالبی‌های و از جمله قیام‌های فرزند ان جعفر بن ابی طالب نیز نام برده است.

هر چند معنای لغوی کلمه «شیعه» اختصاص به گروهی خاص ندارد و به مطلق انصار و اتباع اطلاق می‌شود، ولی در اصطلاح کلامی، این واژه اسم خاصی برای پیروان امام علی (علیه السلام) قرار گرفته است، به گونه‌ای که هر جا با شنیدن آن، همین معنا به ذهن تبلور می‌کند؛ زیرا یکی از ویژگی‌های این گروه اعتقاد به برتری حضرت علی (علیه السلام) بر همه صحابه پیامبر (صلی الله علیه وآله) است و بدین روی، از او پیروی می‌کنند.

مفهوم شیعه

الف - در لغت

واژه «شیعه» در لغت، به معنای اتباع، انصار و پیروان آمده است؛ بدین معنا که اگر کسی از شخصی پیروی کند و دوستی و محبت او را در دل داشته باشد و از او حمایت

نماید، به او «شیعه» گفته می شود. لفظ «شیعه» به این معنا، بر مفرد، جمع، مرد و زن - بالسویه - اطلاق می شود () و به همین معنا، در قرآن کریم به کار رفته است؛ آن جا که می فرماید: «هَذَا مِنْ شِيعَتِهِ وَ هَذَا مِنْ عَدُوِّهِ فَاسْتَغَاثَهُ الَّذِي مِنْ شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ» (قصص: ۱۵)؛ یکی از پیروان او - موسی (علیه السلام) - و دیگری از دشمنانش. آن که از پیروانش بود، بر ضد کسی که دشمن وی بود، از او یاری خواست. هم چنین کلمه «شیعه» در لغت، به معنای فرقه و طایفه ای که بر امری موافقت کنند، بدون تبعیت و پیروی از یکدیگر، نیز آمده () و به همین معنا در قرآن مجید نیز به کار رفته است. «وَ اِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لَابْرَاهِيمَ» (صافات: ۸۳)؛ بی گمان، ابراهیم از شیعیان او [نوح] است.

معلوم است که حضرت ابراهیم (علیه السلام) صاحب شریعتی مستقل بوده و از حضرت نوح (علیه السلام) پیروی نمی کرد، ولی به دلیل آن که او در دین و دعوت به توحید، با حضرت نوح (علیه السلام) هماهنگ بود و هر دو هدف واحدی را دنبال می کردند، از این رو، به «شیعه نوح» تعبیر شده است ().

ب - در اصطلاح

«شیعه»، به مفهوم کلامی آن، به گروهی از مسلمانان اطلاق می شود که ولایت و محبت علی بن ابی طالب (علیه السلام) و سایر امامان معصوم (علیه السلام) از فرزندان او را در دل دارند و از ایشان پیروی می کنند. به عقیده شیعیان، منصب امامت و خلافت رسول خدا (صلی الله علیه وآله) همانند نبوت، یک منصب الهی است و از این رو، امام باید با نص خاصی از جانب خدا یا رسول او (صلی الله علیه وآله) تعیین شود و مردم نمی توانند از پیش خود، امام و جانشین پیامبر (صلی الله علیه وآله) را مشخص سازند. شخص امام نیز باید از ویژگی هایی از قبیل عصمت برخوردار باشد، و گرنه هر کسی لیاقت و شایستگی احراز مقام امامت را ندارد. هر چند معنای لغوی کلمه «شیعه» اختصاص به گروهی خاص ندارد و به مطلق انصار و اتباع اطلاق می شود، ولی در اصطلاح کلامی، این واژه اسم خاصی برای پیروان امام علی (علیه السلام) قرار گرفته است، به گونه ای که هر جا با شنیدن آن، همین معنا به

ذهن تبلور می کند؛ زیرا یکی از ویژگی های این گروه اعتقاد به برتری حضرت علی (علیه السلام) بر همه صحابه پیامبر (صلی الله علیه وآله) است و بدین روی، از او پیروی می کنند.

با این حال، سؤالی که مطرح می شود این است که اصطلاح «شیعه»، به این معنا، از چه زمانی پدید آمده و چگونه شکل گرفته است؟ در این جا، به برخی اقوالی که در این زمینه وجود دارند اشاره گردد.

پیشینه اصطلاح «شیعه»

1. زمان حیات رسول خدا (صلی الله علیه وآله)
2. زمان عثمان توسط فردی به نام عبدالله بن سبأ؛
3. زمان خلافت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام)؛
4. پس از زمان امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در طی حوادث گوناگون و تحولات سیاسی - اجتماعی .

از این اقوال و نظریه ها آنچه بیش از همه قابل توجه می باشد قول اول و دوم است؛ نظریه اول به لحاظ آن که با شواهد تاریخی و احادیث نبوی سازگار است و قول دوم به دلیل آن که از طرف دشمنان تشیع برای تضعیف شیعه طراحی و اجرا گردیده حساسیت برانگیز است. از این رو، لازم است به اختصار، به این دو نظریه اشاره شود .

با این حال، سؤالی که مطرح می شود این است که اصطلاح «شیعه»، به این معنا، از چه زمانی پدید آمده و چگونه شکل گرفته است؟ در این جا، به برخی اقوالی که در این زمینه وجود دارند اشاره گردد. پیشینه اصطلاح «شیعه» 1. «زمان حیات رسول

- خدا (صلی الله علیه وآله)؛
2. زمان عثمان توسط فردی به نام عبدالله بن سبأ .
 3. زمان خلافت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) .
 4. پس از زمان امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در طی
- حوادث گوناگون و تحولات سیاسی - اجتماعی ۱۶

از این اقوال و نظریه ها آنچه بیش از همه قابل توجه می باشد قول اول و دوم است؛ نظریه اول به لحاظ آن که با شواهد تاریخی و احادیث نبوی سازگار است و قول دوم به دلیل آن که از طرف دشمنان تشیع برای تضعیف شیعه طراحی و اجرا گردیده حساسیت برانگیز است. از این رو، لازم است به اختصار، به این دو نظریه اشاره شود:

پیدایش شیعه در عصر رسالت پیدایش مذاهب اسلامی به صورت رسمی، به پس از وفات پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) باز می گردد و در زمان حیات آن حضرت، وجودی نداشتند، چون تنها مرجع دینی و سیاسی - اجتماعی در

۱۶- سید محمد حسین طباطبائی، پیشین، ج ۱۷، ص ۱۴۷

عصر پیامبر، شخص ایشان بود و سخن آن حضرت در همه منازعات و گفتوگوها میان مسلمانان عنوان «فصل الخطاب» داشت؛ به نحوی که هیچ کس نمی توانست علناً در برابر کلام حضرت مخالفت کند. خداوند در این زمینه، خطاب به مسلمانان می فرماید: «فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ» (نساء: ۵۹)؛ هرگاه در چیزی نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر

بازگردانید و از آن ها داوری بطلبید. در جای دیگری نیز آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْدُمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ» (حجرات: ۱)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، چیزی را بر خدا و رسولش مقدم نشمارید و بر آنان پیش نگیرید.

با این حال، در جریان مبارزات مسلمانان و نبردهای با کفار و مشرکان در زمان حیات رسول خدا (صلی الله علیه وآله) نیز گرایش های مختلفی وجود داشت که گاه آثار و نشانه های آن در صحنه های سیاسی و نظامی نمودار می شد. در اثر تحولات و

حوادث گوناگون، به تدریج حب و بغض هایی در میان یاران پیامبر (صلی الله علیه وآله) پدیدار شد و گروه های کوچکی به شکل غیررسمی پدید آمدند. عده ای از صحابه بزرگ از همان اوایل بعثت پیامبر (صلی الله علیه وآله)، مجذوب علی (علیه السلام) شدند و به نام «شیعه علی (علیه السلام)» شهرت یافتند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) نیز اسم شیعه را بارها به آنان اطلاق نموده و مکرر آن ها را به عنوان «شیعه علی (علیه السلام)» مورد خطاب قرار داده بود. بشارت هایی که پیامبر اکرم به شیعیان علی (علیه السلام) داده بسیار است و ما را به این نتیجه رهنمون می سازد که اصطلاح «شیعه» در زمان پیامبر (صلی الله علیه وآله) نیز متداول بوده و گروهی به این نام معروف بوده اند. بسیاری از منابع شیعه و سنی به این موضوع اشاره دارند که تعدادی از اصحاب پیامبر مانند مقداد، ابوذر، عمّار و سلمان در زمان حیات رسول خدا (صلی الله علیه وآله)، به نام «شیعه علی (علیه السلام)» شهرت یافتند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) عنوان «شیعه» را بر این گروه از پیروان علی (علیه السلام) فراوان اطلاق کرده اند. جابر ابن عبدالله انصاری می گوید: نزد پیامبر (صلی الله علیه وآله) بودیم که حضرت علی (علیه السلام) وارد شد. سپس پیامبر فرمودند: «والذی نفسی بیده، انّ هذا و شیعتّه هم الفائزون یوم القیامه»؛ (سوگند به کسی که جانم به دست اوست، این شخص - حضرت علی (علیه السلام) - و شیعیانش در قیامت همان رستگارانند). «هنگامی که آیه شریفه «انّ الذین آمنوا و عملوا الصالحات اولئک هم خیر البریّه» (بینه: ۷) نازل شد، بسیاری از اصحاب پرسیدند: یا رسول الله (صلی الله علیه وآله)، «خیر البریّه» کیانند؟ پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمودند: علی (علیه السلام) و

پیروانش 17

ابن عباس می گوید: چون آیه مزبور نازل شد، رسول خدا (صلی الله علیه وآله) به علی (علیه السلام) فرمود: «هم لنت و شیعتک یوم القیامه راضین مرضیین»؛ آن ها (خیر البریّه) تو و شیعیانت هستید که خدا از آن ها راضی و آنان از خدا خشنودند. در همین زمینه، حدیثی از حضرت علی (علیه السلام) نقل شده است که پیامبر (صلی الله علیه وآله) به آن حضرت فرمود: ۱۸ «آلم تسمع قول الله:

۱۷- مرتضی عسکری، معالم

المدرستین، المجمع العلمی الاسلامی، ۱۴۱۶ ق. ج 2، ص ۵۰ - ۵۲

۱۸- سید محمد حسین طباطبائی، پیشین

"انَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ"؟ هم انت و شیعتک و موعدی و موعدهم الحوض إذا جاءت الامم للحساب تدعون غراً محجلین؛ «آیا نشنیدی کلام خداوند را که فرمود: «به تحقیق آنان که ایمان آورده و کار نیک انجام داده اند بهترین آفریدگانند». تو و شیعیانت بهترین آفریدگان هستید که وعده من و شما کنار حوض کوثر است. وقتی که همه امت ها برای حساب محشور شدند، شیعیان تو «پیشانی سفیدان» خوانده می شوند. در حدیث دیگری پیامبر (صلی الله علیه وآله) خطاب به علی (علیه السلام) می فرماید: «یا علی (علیه السلام)، انا شفیع لشیعته غدأ اذا قمت المقام المحمود فبشرهم بذلك. یا علی، شیعتک شیعة الله»؛ () یا علی (علیه السلام) به درستی که شیعیانت گناهان و عیوبشان بخشیده است! یا علی، من فردای قیامت، وقتی بر مقام محمود قرار گیرم، شفیع آن ها هستم و ایشان را به این بشارت ده! شیعیان تو پیروان خدایند. از این احادیث و سیره رسول خدا (صلی الله علیه وآله)، به روشنی برمی آید که «شیعه» در زمان حیات پیامبر (صلی الله علیه وآله) نیز وجود داشته و اصطلاح «شیعه» را آن حضرت به پیروان و محبان حضرت علی (علیه السلام) اطلاق کرده و بشارت هایی به آنان داده است.

با توجه به این روایات که بیش تر آن ها در منابع معتبر اهل سنت وجود دارد، به یقین، می توان گفت که دعوت به تشیع هم زمان با دعوت به اسلام و گفتن کلمه «لا اله الا الله» آغاز شده است؛ زیرا رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) در نخستین روزهای دعوت به اسلام، از اقوام و خویشاوندان نزدیک خود، چهل نفر را دعوت و پذیرایی کرد و همگی را به اسلام خواند و فرمود: هر کس پیش از همه به من ایمان آورد، خلیفه و جانشین من خواهد بود و اطاعت وی بر همه مسلمانان واجب است، این سخن را

پیامبر(صلی الله علیه وآله) سه بار تکرار کردند و هر سه بار جز علی(علیه السلام) کسی دعوت پیامبر(صلی الله علیه وآله) را لیبک نگفت .

سیره پیامبر(صلی الله علیه وآله) به خوبی نشان می دهد که شخص آن حضرت عقاید شیعه را در عصر رسالت برای مردم تبلیغ کردند و در اذهان مسلمانان وارد ساختند رسول اکرم(صلی الله علیه وآله) با سخنان دل نشین خود همواره پیروان حضرت علی(علیه السلام) را از چشمه علم و معرفت خویش سیراب می نمودند و فضایل و مناقب حضرت علی و ائمه اطهار(علیهم السلام) را بیان می کردند. از این جاست که اولین منادیان تفکر شیعی اصحاب آن حضرت بوده اند و نهال برومند تشیع را به دستور ایشان غرس و آب یاری کرده اند. در نتیجه، شیعه با سابقه ترین فرقه اسلامی بوده و اصطلاح «شیعه» از زمان رسول خدا(صلی الله علیه وآله) رایج بوده است. در حقیقت، شیعه عصاره اسلام و به تعبیر دیگر، اسلام واقعی است؛ زیرا بدون ولایت علی(علیه السلام) و امامان معصوم(علیهم السلام) اسلام هم چون پوسته ای است بدون مغز. به هر روی، ریشه تشیع به آغاز دعوت اسلامی باز می گردد و نام «شیعه» به وسیله پیامبر(صلی الله علیه وآله) تبلیغ و ترویج شده است. بنابراین، در پاسخ به سؤال از این که مذهب شیعه در چه زمانی پدید آمده، با اطمینان می توان گفت که در زمان حیات رسول خدا(صلی الله علیه وآله) و توسط شخص نبی اکرم(صلی الله علیه وآله)، شکل گرفته است.

نظریه عبدالله بن سبا

با وجود آن که دلایل و شواهدی از احادیث نبوی، تاریخی و کلامی مبنی بر پیدایش تشیع در زمان رسول خدا(صلی الله علیه وآله) بیش از آنچه ذکر شد، موجود است و همگی به یقین می رساند که اصطلاح «شیعه» در عصر رسالت رایج بوده و تعدادی از بزرگان اصحاب به نام «شیعه علی(علیه السلام)» شهرت داشته اند، در عین حال، نظریات بی پایه و اساسی نیز وجود دارد که در واقع، از طرف مخالفان تشیع طرأحی وارائه شده است. یکی از آن ها نظریه «عبدالله بن سبا» است. طبق این نظریه، مذهب

تشیع ساخته و پرداخته او بوده و در زمان خلافت عثمان رخ داده است. بر اساس این نظریه، شخصی یهودی الاصل، اهل صنعا، از راه خدعه و فریب، به ظاهر اسلام آورد. او به تدریج، بین مسلمانان نفوذ پیدا کرد و مردم را به سوی علی (علیه السلام) دعوت نمود و او را در خلافت، بر حق می دانست. عده ای از مسلمانان از او پیروی کردند و خود را «شیعه علی» خواندند، بدین سان، مذهب «شیعه» شکل گرفت. به نظر ابن سبا، علی (علیه السلام) کشته نشده، بلکه زنده است، به آسمان عروج کرده و دوباره به زمین بازمی گردد و قیام می کند.

نقد و بررسی: اگرچه این نظریه توسط دانشمندان اسلامی، به خصوص علمای شیعه، به صورت مفصل نقد و بررسی شده و بطلان آن برای همه پژوهش گران روشن گشته ولی با این حال در این جا به طور خلاصه بدان اشاره می گردد:

آنچه از منابع معتبر تاریخی و کلامی برمی آید، نشان دهنده آن است که در قرن اول هجری، چنین نظریه ای درباب پیدایش مذهب شیعه وجود نداشته و حتی مخالفان تشیع آن را ادعا نکرده اند. بر اساس تحقیقات مفصلی که انجام شده، در سده دوم هجری، شخصی به نام سیف بن عمر این ماجرا را نقل کرده است. سیف روایات زیادی نقل کرده که بیش تر آن ها با روایات و شواهد معروف تاریخی سازگاری ندارد و بدین دلیل، شیعه و سنی قایل به ضعف خبرهای او هستند و او را «کذاب» و «وضاع» می دانند؛ به خصوص در افسانه عبدالله بن سبا که محققان شیعه و سنی و حتی شرق شناسان غیرمسلمان درباره آن تحقیق کرده و ساختگی بودن این اسطوره را اثبات نموده اند؛ زیرا اولاً، فردی به نام «عبدالله بن سبا» در زمان خلافت عثمان وجود نداشته و هیچ یک از منابع تاریخی معتبر اشاره ای به او نکرده است.

ثانیاً، به فرض وجود چنین شخصی، محال است که او در اندک زمانی با اسلام آوردن ظاهری، بتواند در همه اصحاب نفوذ پیدا کند و - به قول برخی، برای تضعیف امت اسلامی - مذهب تشیع را پدید آورد. (این مسأله با توجه به حساسیت اصحاب پیامبر (صلی الله علیه وآله) درباره دین و واکنش های شدید آنان در برابر مرتدان به خوبی روشن می گردد؛ چرا که ممکن بود ایشان در برابر چنین پدیده بزرگی بی تفاوت باشند، به ویژه خلیفه سوم که مدعی پاس داری از اسلام و حفاظت حریم آن

بود، چگونه می توانست در قبال پدیده «عبدالله بن سبا» ساکت بنشیند؛ این در حالی است که عثمان حتی نسبت به قضایای کوچک تر واکنش نشان می داد و حتی برخی از صحابه بزرگ پیامبر مانند ابن مسعود و عمّار یاسر را کتک زد. ثالثاً، عبدالله بن سبا هیچ جا در زمره یاران امام علی (علیه السلام) نبوده و ذکری از او به میان نیامده و به فرض صحت قضیه، می بایست در جنگ ها در کنار آن حضرت می بود.

از مجموع آنچه گفته شد، به این نتیجه می رسیم که ماجرای عبدالله بن سبا ساختگی و غیرواقعی است و از طرف دشمنان شیعه برای تضعیف تشیع برنامه ریزی و اجرا شده است. برای اهل تحقیق و منطق، روشن است که اصطلاح «شیعه» و نام گذاری گروهی به این نام از اختراعات رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) است و شخص آن حضرت مسلمانان را به پیروی از اهل بیت (علیهم السلام) و در رأس آن ها، امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، دعوت کردند؛ همان گونه که شواهد متعددی از سیره پیامبر (صلی الله علیه وآله) مؤید این سخن است. قضیه «غدیر خم» از نمونه های بارزی است که حقانیت مذهب تشیع را در موضوع خلافت روشن می سازد؛ زیرا اختلاف اصلی شیعه و سنی بر موضوع تعیین جانشینی پیامبر (صلی الله علیه وآله) و مسأله امامت است که در حدیث متواتر غدیر، به خوبی بیان شده است.

منشأ اصلی پیدایش شیعه و سنی

هر چند بررسی عوامل دخیل در پیدایش دو مذهب شیعه و سنی به عنوان دو دیدگاه اصلی در جهان اسلام و این که چه عناصری در پیدایش آن دو نظریه دخالت داشته، خود موضوع مهمی است و تحقیق مستقلی می طلبد و می توان عوامل گوناگون سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را برای آن ذکر کرد که در شکل گیری این دو نگرش تأخیرگذار بوده اند، اما بررسی همه آن ها در یک مقاله نمی گنجد. از این رو، به مهم ترین عاملی که به نظر فریقین، موجب شکاف بین مسلمانان شده و در نتیجه، دو مذهب مستقل «شیعه» و «سنی» را پدید آورده است اشاره می شود:

جریان ظهور و پیشرفت اسلام در مدت ۲۳ سال بعثت رسول خدا (صلی الله علیه وآله)

در مکه و مدینه، تحولات فراوانی به همراه داشت، فشارهای همه جانبه کفار قریش در مکه و سخت گیری آن ها نسبت به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و یارانش موجب مهاجرت مسلمانان به مدینه شد. ولی با این حال، پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) در مدینه نیز از تجاوزهای مشرکان مکه در امان نماند و جنگ های بسیاری بر مسلمانان تحمیل گردید. طی این تحولات، به طور طبیعی، جریان هایی در داخل صفوف مسلمانان پدید آمد و گرایش هایی بروز کرد که نشانه های آن، گاه در برخوردهای سیاسی و نظامی نمایان می شد. اختلاف های متعددی، چه در زمان حیات رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و چه پس از آن در میان مسلمانان ظاهر شد که مهم ترین و اساسی ترین آن ها اختلاف در مسأله خلافت و تعیین جانشین رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) بود. این مسأله باعث جدایی مسلمانان و پیدایش دو مذهب «شیعه» و «سنّی» گردید که تا امروز این اختلاف وجود دارد.

علمای دو مذهب بر این مسأله اعتراف دارند که اختلاف در امامت و خلافت باعث تقسیم مسلمانان به دو گروه «شیعه» و «سنّی» شده است. شهرستانی می گوید: بزرگ ترین اختلاف میان امت اسلامی اختلاف در مسأله امامت است؛ چون بر هیچ مسأله ای در اسلام شمشیرها از نیام بیرون نیامد، آن گونه که بر مسأله خلافت و امامت در طول تاریخ، جنگ های خونینی واقع شد. ۱۹ هم چنین برخی دیگر از دانشمندان اهل سنّت در این زمینه، می نویسند: اختلاف اساسی میان مسلمانان که پس از وفات رسول خدا (صلی الله علیه و آله) پدید آمد و به پیدایش مذاهب شیعه و سنّی منجر شد، اختلاف بر سر مسأله خلافت و امامت بود که ابتدا میان مهاجران و انصار روی داد و در نهایت، به خلافت ابوبکر منتهی گشت. در حقیقت، همه مذاهب اسلامی، اعم از کلامی و سیاسی و مذهبی، بر محور خلافت و امامت پدید آمد.

به نظر علمای شیعه نیز مهم ترین مسأله اختلافی میان مسلمانان، که منجر به پیدایش دو مذهب شیعه و سنّی شد، اختلاف در مسأله خلافت و امامت بود.

۱۹- همان، ص ۱۱۶ / دائرة

المعارف الاسلامیة الشیعیة، ج ۳، ص ۱۸۵

که پس از وفات رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) بروز کرد، اگرچه زمینه های اختلاف میان مسلمانان صدر اسلام و اصحاب پیامبر (صلی الله علیه وآله) نیز وجود داشت و گاه در زمان حیات رسول خدا (صلی الله علیه وآله) هم این اختلافات بروز می کرد و عده ای شکایت نزد آن حضرت می بردند، اما پیامبر (صلی الله علیه وآله) به زودی اختلافات را حل می نمود. ولی اختلاف اصلی اصحاب رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) پس از رحلت آن حضرت بر مسأله خلافت و تعیین جانشین پیامبر (صلی الله علیه وآله) بوده که تا امروز ادامه یافته است. ۲۰ بنا بر این، منشأ اصلی پیدایش دو مذهب شیعه و سنی اختلاف در موضوع امامت و خلافت اسلامی است که دو دیدگاه متفاوت در این زمینه وجود دارد:

اهل سنت امامت را از اصول دین نمی دانند و شرط خاصی بجز پذیرش مردم، برای امام قایل نیستند. به عقیده آن ها، پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) کسی را به عنوان خلیفه و جانشین خود تعیین نکرد و هیچ نصی از خدا و پیامبر (صلی الله علیه وآله) در این زمینه نرسیده، بلکه تعیین جانشینی پیامبر (صلی الله علیه وآله) به مردم واگذار شده و مردم پس از وفات رسول خدا (صلی الله علیه وآله) ابابکر را به خلافت برگزیدند و همه باید از او پیروی می کردند. ماجرای «سقیفه» که پیش از دفن پیکر مطهر پیامبر (صلی الله علیه وآله) روی داد و عده ای سفارش های پیامبر (صلی الله علیه وآله) را نادیده گرفتند بدین دلیل بود که مجریان آن، منکر نص در خلافت و امامت بودند و نظریه «شورا» را در باب امامت پدید آوردند. در واقع، «سقیفه بنی

۲۰- علی ربّانی گلپایگانی، فرق و

مذاهب کلامی، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۷۷، ص ۶۷

ساعده» آغاز غصب حقوق اهل بیت پیامبر (علیهم السلام) و ستم به شیعیان و پیروان علی بن ابی طالب (علیه السلام) بود که صحنه های خونین و رقت باری پدید آورد و تاکنون نیز این روند ادامه دارد.

اما شیعه و پیروان اهل بیت پیامبر (علیهم السلام) بر این باورند که امامت از اصول دین و ارکان اساسی اسلام است؛ همان گونه که نبوت یک منصب الهی است و انبیا (علیهم السلام) از جانب خداوند به این مقام منصوب می شوند، امامت نیز منصبی الهی است و باید با نص خدا یا پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله)، کسانی بر این مقام تعیین گردند، به عقیده شیعه، هر کس لیاقت احراز مقام امامت و جانشینی پیامبر (صلی الله علیه و آله) را ندارد، بلکه امام باید شروطی داشته باشد که اولین آن ها «عصمت» است؛ یعنی امام و خلیفه پیغمبر (صلی الله علیه و آله) باید معصوم باشد تا بتواند شؤون دینی و اجتماعی پیامبر (صلی الله علیه و آله) را بر عهده بگیرد. علاوه بر این، امام باید عالم تر و برتر از همه مردم باشد، به گونه ای که هیچ کس به علم و فضل او نرسد.

به نظر شیعه، کسی پس از رسول خدا (صلی الله علیه و آله)؛ دارای اوصاف لازم برای امامت و خلافت نبود، به جز امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) که به اعتراف همه علمای مسلمان و غیرمسلمان، افضل اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود و از جانب خدا و رسولش با نصّ جلی بر منصب امامت گمارده شد. نصوص و احادیث نبوی مبنی بر خلافت و امامت علی (علیه السلام) در منابع شیعه و سنی فراوان است و جای شک و تردیدی باقی نمی گذارد، از آن جمله، می توان از حدیث غدیر، حدیث ثقلین، حدیث منزلت و حدیث یوم الانذار نام برد که در جای خود مفصل بحث شده است. شیعه معتقدند که حضرت علی (علیه السلام) بر اساس تعیین رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و به دلیل آن که افضل اصحاب رسول الله (صلی الله علیه و آله) بود، خلیفه بلافصل پیامبر است و پس از ایشان یازده امام معصوم از فرزندان آن حضرت اوصیای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) هستند؛ پیامبر (صلی الله علیه و آله) با نص جلی، همه ایشان را با نام و نشان معرفی کرده است. راه شناخت امام معصوم و وصی پیامبر آن است که علاوه بر تصریح رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، امام قبلی نیز او را به مردم معرفی کند؛ شیوه ای که درباره امامان معصوم دوازده

گانه(عليهم السلام)رعايت شده و بر اين اساس، امروز امام زمان، حضرت مهدي(عليه السلام)، خليفه خدا بر زمين است و نظام هستي به يمن وجود مقدس او برقرار مي باشد. ۲۱.

منابع تحقیق

تالیف محمد احسانی

پژوهشی در زمینه پیدایش شیعه و سنی

تالیف نعمت الله صفری

تاریخ تشیع و پاسخی به سه سوال

فروشانی

شیعه شناسی؛ ضرورتها و رسالتها

محمد تقی مصباح آیه الله

یزدی

محسن الویری (خندان)

نقد نظریهای در پیدایش شیعه اثنی عشری

گراهام ای. فولر، رند رحیم فرانک خدیجه تبریزی

هویت شیعه

[انجمن تبلیغاتی دات کام](#)

